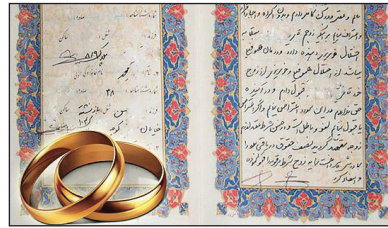


شرط ضمن عقد

شرط ضمن عقد توافقی است که ضمن عقد نکاح بین طرفین عقد منعقد می‌شود و به لحاظ قانونی رسمیت دارد. این شرط می‌تواند درباره هر موضوعی منعقد شود، به شرطی که مطابق با قانون کشور و شریعت اسلام تنظیم شده و با آن هیچ مغایرتی نداشته باشد.



صاحب حضانت چه حقوقی دارد؟

فردی که حضانت فرزند را برعهده گرفته حقوقی دارد. این حقوق به این شرح است: حق نگهداری و مراقبت از فرزند، حق تصمیم‌گیری در امور تربیتی و آموزشی فرزند، حق انتخاب نام و نام خانوادگی برای فرزند، حق دریافت شناسنامه و سایر مدارک هویتی برای فرزند و حق گرفتن اجازه خروج از کشور برای فرزند.



باشگاه و کلا

ترکی فعل جرم است؟

بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.

آنچه همگی بر آن واقف هستند عمل و اقدامی مجرمانه است که فرد خاطی و مجرم مرتکب می‌شود که در ازای عمل مجرمانه خود مستحق تحمل مجازات است اما در این ماده علاوه بر رفتار مجرمانه ترک فعل را هم مصداق مجازات دانسته است.

در این نوشتار به موضوع ترک فعل و ارکان و مصادیق آن پرداخته می‌شود.

تعریف ترک فعل:

ترک فعل اصطلاحی حقوقی است و به معنای عملی است که بر اساس آن فرد از انجام وظیفه قانونی خود، خودداری کند که با شرایطی می‌توان ترک کننده عمل را دارای مسئولیت کیفری و مستحق مجازات دانست؛ به عبارت دیگر ترک فعل رفتار مجرمانه منفی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد.

شرایط تحقق جرم ترک فعل

۱. وجود یک وظیفه قانونی

و نه صرفاً اخلاقی
از جمله شرایط تکمیل مسئولیت بر تارک فعل وجود یک وظیفه قانونی و نه صرفاً اخلاقی است. اما منظور از قانون فقط قانون جزا نیست بلکه سایر قوانین لازم‌الاجرا را نیز در بر می‌گیرد. برای مثال طبق ماده ۱۷۶ ق.م.ه. هر چند مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد اما در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد وی چنین وظیفه‌ای را خواهد یافت و اگر عمداً ترک فعل کند و طفل بر اثر اهمال مادر تلف شود، مادر بر اثر ترک فعل مسئول است.
همچنین طبق ماده ۱۶۸ قانون مدنی، نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف پدر و مادر است و چنانچه والدین طفل عمداً نسبت به نگهداری اطفال اقدامی نکنند و ترک فعل آنها سبب واقع شدن جنایتی بر طفل شود مرتکب جرم ترک فعل شده‌اند.

همچنین به موجب ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را نداشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض است، مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیردادن را برعهده گرفته

آگاهی از مسائل حقوقی به پیشگیری از وقوع بسیاری از جرائم و حوادث ناخوشایند کمک می‌کند. در این صفحه با کمک گروهی از بهترین و کلا و حقوق دانان دادگستری به سوالات روز حقوقی شما پاسخ می‌دهیم.



زهرا املکی

کارشناس ارشد حقوق
و داوری عمومی داخلی

است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند که با شرایط تصریح شده در این ماده ترک فعل و عدم انجام وظیفه قانونی که سبب وقوع جنایت باشد جرم‌انگاری شده است و با انطباق ترک فعل بر عمد و یا شبه‌عمد و یا خطای محض قابل رسیدگی و پیگیری قضایی است و از باب تمثیل به ترک فعل مادر یا دایه و همچنین به انجام ندادن وظیفه قانونی پزشک و پرستار نیز تصریح شده است.

۲. وظیفه قراردادی

ممکن است به واسطه وجود یک قرارداد وظایفی برای فرد در نظر گرفته شود که در این مورد، مثلاً شخص تارک به موجب قرارداد ایجاد شده موظف به حفظ حیات دیگری باشد مانند نجات‌غریق که در یک استخر استفاده شده تا شناگران را در مواقع بروز خطر نجات دهد و چنانچه با ترک فعل او جنایتی رخ دهد اگر با قصد قتل توأم باشد و یا اینکه قصد ابتدایی قتل وجود نداشته اما این نوع از اهمال نوعاً کشنده تلقی شود جنایت حاصله قتل عمدی تلقی می‌شود و موجب قصاص خواهد بود.

در پایان می‌توان گفت با وجود اینکه در قانون سابق مجازات اسلامی به صراحت در مورد شناسایی ترک فعل به عنوان عنصر مادی جرم قتل سخن به میان نیامده بود و این موضوع یکی از مباحث بحث‌برانگیز در حوزه مباحث قتل به‌شمار می‌رفت که نظرات مختلفی در مورد آن مطرح می‌شد، خوشبختانه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به وضوح به این مسئله پرداخته شده است و ترک فعل با وجود شرایط ذکر شده در ماده ۲۹۵ به عنوان عنصر مادی جرم قتل مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است که می‌توان این موضوع را به عنوان یکی از نوآوری‌های قانون جدید به‌شمار آورد.

در خصوص مطلق ترک فعل هم بدون تردید تارک فعل قاتل محسوب نمی‌شود؛ چون ترک فعل، امری عمدی است و امری عمدی نمی‌تواند علت موجبه یک امر وجودی «قتل» به‌شمار آید. در عین حال، در این حالت، تارک فعل هر چند قاتل نیست اما هم از لحاظ فقهی و هم از لحاظ قانونی مجرم است و مستحق مجازات تعزیری است.

در نتیجه بر اساس قانون همانگونه که فعل مجرمانه مستوجب پیگیری قضایی است و پس از اثبات اعمال مجازات خواهد شد در موضوع ترک فعل نیز بر همین اساس با وجود جمع شرایط جرم‌انگاری شده و قابل پیگیری قضایی است.

پدوفیلی یا کودک‌آزاری جنسی



یوکابده شفقی
وکیل دادگستری

و به‌ویژه کودک‌آزاری جنسی یک جرم نسبتاً پنهان است و همچنین به این دلیل که آمار دقیقی در مورد این جرم بنا بر دلایل مختلف ارائه نمی‌شود و به اصطلاح آمار سیاه به‌هکاری یا لیست‌سیاه وجود دارد، در خیلی از موارد این جرم پنهان باقی می‌ماند.

از نظر روانشناسی جنایی، پدوفیلی یا بچه‌بازی نوعی اختلال روانی است که در نتیجه آن فرد بیمار به جای برقراری روابط عادی جنسی با جنس مخالف، سراغ دختران یا پسران کم‌سال و نوجوانان می‌رود و میل جنسی خود را با تماس با آنها ارضا می‌کند.

مرتکبان پدوفیلی بیشتر مردان هستند که اگر با حالت‌های روانی دیگر مثل «سادسیسم» توأم شود، سبب ارتکاب جنایت‌هایی هم می‌شود. بسیاری از این مرتکبان ازدواج کرده و گاه خود نیز دارای فرزند هستند. مجرمانی که مرتکب آزار جنسی کودکان می‌شوند، از اشخاص بالغ می‌ترسند به همین دلیل به کودکان نزدیک می‌شوند؛ چرا که از این طریق احساس قدرت جنسی و برتری به آنها دست می‌دهد.

در این اختلال انواع فعالیت‌ها متفاوت است و از نگاه کردن به کودک تا در آوردن لباس او و لمس کردن بدنش را در بر می‌گیرد. مطالعات نشان داده کودکانی که احساس بی‌توجهی یا تنهایی می‌کنند، بیشتر در معرض خطر سوءاستفاده جنسی قرار دارند.

در سال ۱۳۹۹ قانونگذار با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با آوردن بندیک و ۲ ماده ۱۰ این قانون اشاره می‌دارد که آزار جنسی تماسی توسط محارم یا با عنف به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

همانطور که از قسوی کلام بند یک ماده ۱۰ به‌دست می‌آید هر چند قانونگذار به‌طور خاص پدوفیلی را جرم‌انگاری نکرده است اما می‌توان به راحتی با استفاده از این ماده مرتکبان این جرم را مورد مجازات قرار داد؛ بنابراین اگر جرم پدوفیلی شامل جرائم حدی نباشد و شامل آزار جنسی تماسی توسط محارم و یا با عنف با طفل باشد محکوم به مجازات درجه پنج (۲ تا ۵ سال حبس و جزای نقدی مقرر شده در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی) می‌شود. بدین صورت خلأ قانونی که در قوانین سابق وجود داشت نیز از بین می‌رود.

البته به‌نظر می‌رسد مجازات لحاظ‌شده با توجه به شنیع بودن عمل ارتکابی و آثار مخرب و زیانباری که از لحاظ روانی به طفل وارد می‌آورد آن چنان سخت و متناسب نباشد.

کودک در لغت عبارت است از هر پسر و دختری که به رشد نرسیده باشد. کنوانسیون حقوق کودک در ماده یک، کودک را کسی می‌داند که زیر ۱۸ سال سن دارد. ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز در بند الف و ب به تعریف طفل و نوجوان پرداخته و طفل را فردی می‌داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده است و نوجوان را هر فرد زیر ۱۸ سال کامل می‌داند که به سن بلوغ شرعی رسیده است.

هر چند خشونت‌های جنسی پدیده جدیدی نبوده و بشر همواره با آن درگیر بوده است ولی با گسترش مبادلات بین‌المللی و رشد و توسعه رسانه‌های نوین با موج گسترده‌ای از سوءاستفاده جنسی از کودکان روبه‌رو هستیم. در نظام داخلی، در راستای اعمال سیاست‌های حمایتی مطابق با معیارهای بین‌المللی و وجود خلأ در قانون سابق حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، نیاز به حمایت‌های افتراقی از کودکان بزه‌دیده جنسی احساس می‌شد.

قانونگذار، در سال ۱۳۹۹ در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نسبت به حمایت از این بزه‌دیدگان در برابر آزارهای جنسی توجه خاصی داشته است. مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی کودک‌آزاری عبارت است از آسیب یا تهدید به سلامت جسم یا روان و سعادت و رفاه و بهزیستی کودک که به‌دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند.

منظور از آزار جنسی کودک، درگیر کردن کودک در فعالیت‌هایی است که منجر به ارضای جنسی افراد بزرگسال می‌شود. سوءاستفاده جنسی، تماس‌ها یا تعاملات بین کودک و فرد بالغی است که کودک را به‌منظور تحریک جنسی مورد استفاده قرار داده است.

آزار جنسی معمولاً توسط افراد خانواده و نزدیکان و آشنایان و به‌ندرت توسط افراد غریبه صورت می‌پذیرد. مطالعات نشان داده است که در اکثر موارد آزاردهندگان کودک، والدین وی و ناپدری و یا نامادری یا اقوام او هستند و مواردی را که شامل بیگانگان و غریبه‌ها می‌شود، درصد کوچکی از کل موارد را در بر می‌گیرد. همچنین مطالعات نشان داده است که در بیشتر آزارهای جنسی کودکان که توسط پدر اعمال شده است، کودک قربانی دختر بوده است.

عدم طرح و پرداخت به این معضل بزرگ فرهنگی و اجتماعی بدین خاطر است که از نظر سنتی و فرهنگی، این موضوع به‌صورت یک تابو به‌شمار می‌رود و تمایلی به صحبت در مورد آن وجود ندارد و دیگر آنکه جرم کودک‌آزاری